



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۵ آبان ۱۴۰۰

موضوع جزئی: مسئله ۲۶ - فرع دوم: پوشش زن در برابر صبی ممیز - ادله عدم لزوم و بررسی آنها -

مصادف با: ۲۰ ربیع الاول ۱۴۴۳

دلیل دوم - بررسی تعارض بین دو آیه و وجوه جمع بین آنها

جلسه: ۱۷

سال چهارم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

بحث در دلیل دوم عدم لزوم ستر و پوشش زن در برابر صبی ممیز بود؛ یعنی درباره آیه استیذان. عرض کردیم ظاهر آیه دلالت بر عدم لزوم تستر در برابر صبی ممیز دارد. به دنبال این، یک اشکالی مطرح شد که این آیه با آیه «لایبیدین زینتهن» که از آن «الاطفال الذین لم یظہروا علی عورات النساء» استثنا شده، منافات دارد. چون مقتضای آیه استیذان این است که طفل تا زمانی که به بلوغ نرسیده (یعنی حتی صبی ممیز) تستر و پوشش زن در برابر او واجب نیست. اما آیه سوره نور که می‌فرماید: زینت‌های خودشان را در برابر اطفال غیر ممیز آشکار نکنند، دلالت بر لزوم تستر در برابر صبی ممیز دارد. لذا به نظر بدوی بین این دو آیه منافات است؛ چون آیه استیذان می‌گوید در برابر صبی ممیز پوشش واجب نیست؛ آن آیه دیگر می‌گوید در برابر صبی ممیز پوشش واجب است و باید خودش را بیوشاند؛ صریحاً نهی کرده لایبیدین زینتهن الا از اطفال غیر ممیز؛ نتیجه‌اش این است که از اطفال ممیز باید خودش را بیوشاند.

عرض شد برای حل این تنافی ظاهری و بدوی بین این دو آیه، وجوه و راه‌هایی مطرح شده است. دو وجه را در جلسه قبل بیان کردیم؛ یک وجه را مرحوم صاحب جواهر و دیگری را شهید در مسالک مطرح کرده بودند. سه وجه دیگر در اینجا طرح شده که اینها را ذکر می‌کنیم و بعد بررسی کنیم که چه وجهی را می‌توانیم بپذیریم.

#### وجه جمع سوم

آیه ابداء زینت، یعنی «لایبیدین زینتهن ... الطفل الذین لم یظہروا علی عورات النساء»، حمل شود بر موارد ثوران شهوت و آیه استیذان حمل شود بر جایی که هنوز ثوران شهوت حاصل نشده است. یعنی کأن آیه استیذان می‌گوید: «الذین لم یبلغوا الحلم»، منظور بلوغ نیست، بلکه منظور این است که ثوران شهوت در آنها محقق نشده است. می‌گویند «الذین لم یبلغوا الحلم» اطفالی که بالغ نشده‌اند، یعنی ثوران شهوت در آنها پدید نیامده و هنوز هیجان شهوت در آنها محقق نشده است. اما آیه «الذین لم یظہروا علی عورات النساء» می‌گوید پوشش در برابر اطفال تا زمانی که ثوران شهوت در آنها پدید نیامده، لازم نیست. بنابراین آن آیه که می‌گوید خودتان را بیوشانید و نهی می‌کند از ابداء زینت، نسبت به آن اطفالی است که ثوران شهوت در آنها محقق شده است. لذا بین این دو آیه تنافی نیست.

این هم یک وجه جمعی است که قریب به وجه جمع صاحب جواهر است. ملاحظه کردید که صاحب جواهر «لم یظہروا علی عورات النساء» را کنایه از بلوغ دانستند و گفتند افراد غیر بالغ استثنا شده‌اند؛ غیر بالغ شامل ممیز هم می‌شود. بنابراین بین این آیه و آیه استیذان منافاتی وجود ندارد. این وجه در واقع از این جهت نزدیک به آن وجهی است که صاحب جواهر ذکر

کرده‌اند؛ چون او در واقع مسأله را دایره مدار بلوغ و عدم بلوغ قرار داد، اینجا بین ثوران شهوت و عدم ثوران شهوت. آیه استیذان می‌گوید طفلی که شهوت در او ثوران ندارد پوشش در برابر او واجب نیست؛ آیه «لایبیدین زینتهن» می‌گوید اگر طفل به حد ثوران شهوت برسد، پوشش در برابر او واجب است. پس منافاتی بین این دو آیه وجود ندارد. اتفاقاً تفصیلی که امام (ره) و برخی مثل مرحوم سید و دیگران داده‌اند، شاید به همین دلیل باشد؛ اینکه گفته‌اند پوشش و تستر زن در برابر طفل مادامی که به حدی نرسد که مترتب شود بر او ثوران شهوت، این خودش می‌تواند ناشی از همین برداشت از این دو آیه باشد.

سؤال:

استاد: این را عرض می‌کنیم که آیا مسأله ثوران شهوت مترادف با بلوغ است؟ خود این نشان می‌دهد که اینطور نیست؛ یعنی این وجه جمع، غیر از آن وجه جمعی است که صاحب جواهر بیان کرده است. اگر بحث بلوغ بود، در همین مسأله ۲۵ و ۲۶ امام چه فرمود؟ در مسأله ۲۵ فرمود: «يجوز للرجل أن ينظر إلى الصبية ما لم تبلغ»، مادامی که بالغ نشده است؛ اما اینجا می‌گوید «و لا يجب علیها التستر عنه ما لم يبلغ مبلغاً یترتب علیه ثوران الشهوة»، تا چه زمانی تستر واجب نیست؟ تا زمانی که ثوران شهوت حاصل نشده است. یعنی زمانی که ثوران شهوت محقق شد، باید خودش را بپوشاند، هر چند به بلوغ هم نرسیده باشد. مسأله ثوران شهوت قبل البلوغ هم برای اطفال محقق می‌شود و این یک چیز ثابت شده‌ای است و از نظر علمی هم کاملاً روشن است. ثوران شهوت غیر از احتلام است.

#### بررسی وجه جمع سوم

این وجه مبتنی بر آن است که «لم یظهروا علی عورات النساء» را به معنای عدم ثوران شهوت بگیریم. یعنی بگوییم آیه ۳۱ سوره نور می‌فرماید «ولایبیدین زینتهن الا لبعولتهن ... الذین لم یظهروا علی عورات النساء»، یکی از گروه‌هایی که استثنا شده آنهایی هستند که ثوران شهوت در آنها پیدا نشده است. «لم یظهروا علی عورات النساء» یعنی بگوییم اینها بر عورات نساء اطلاع پیدا نکرده‌اند و به حد شهوت نرسیده‌اند. یک احتمال این است که لم یظهروا به معنای لم یطلعوا، اطلاع پیدا نکنند؛ احتمال دیگر این است که بگوییم لم یظهروا به معنای لم یقدروا است؛ لم یقدروا کنایه از بلوغ باشد؛ یعنی قدرت بر عورات النساء، قدرت بر جماع و آمیزش جنسی. اما اگر گفتیم لم یظهروا به معنای لم یطلعوا است، اطلاع بر عورات نساء به چه معناست؟ یک وقت همین قدر که تفاوت بین عورت الرجل و عورت المرأة را درک می‌کند، یک وقت می‌گوید اطلاع به این معناست که بالاخره با آشنایی با آن، تحریکاتی ممکن است در پسر بچه ایجاد شود. اگر گفتیم «لم یظهروا علی عورات النساء» به معنای عدم ثوران شهوت است و این لزوماً هم اینطور نیست که لم یظهروا را به معنای دیگری بگیریم، لم یظهروا را به همان معنای لم یطلعوا می‌گیریم؛ منتهی می‌گوییم لم یطلعوا علی عورات النساء یعنی هنوز از دیدن عورات النساء تحریکی برای آنها ایجاد نمی‌شود. لذا خیلی بعید نیست حمل این معنا بر ثوران شهوت. قطعاً استبعاد آن نسبت به آنچه صاحب جواهر فرموده کمتر است. اینکه لم یظهروا علی عورات النساء را کنایه از بلوغ بگیریم، مؤونه‌اش بیشتر است تا اینکه این را کنایه از ثوران شهوت بدانیم. این یک جمعی است که به نظر می‌رسد بهتر از جمع صاحب جواهر است. اینکه کسی هم اشکال کند و بگوید این جمع تبرعی است و جمعی است که شاهی بر آن نیست، نه، این چیزی است که برای رفع تنافی بین این دو آیه، مخصوصاً با عنایت به معنای لم یظهروا خیلی دور از ذهن نیست. این را فعلاً در ذهن داشته باشیم تا در جمع‌بندی نهایی عرض

کنیم.

### وجه جمع چهارم

وجه دیگر برای جمع بین این دو آیه آن است که آیه ابداء حمل بر کراهت شود و آیه استیذان حمل بر جواز شود. ظاهر آیه استیذان، جواز است؛ ظاهرش این است که در غیر اوقات ثلاثه چون استیذان لازم نیست، پس تستر هم لازم نیست. پس آیه ۳۱ نور را حمل بر کراهت کنیم و بگوییم لایبیدین زینتهن الا برای اینها؛ منتهی با توجه به اینکه نهی شده از ابداء زینت در برابر غیر و افرادی استثنا شده‌اند، اینجا بگوییم صبی ممیز طبق آن آیه و ادله‌ای که وجود دارد و برخی روایات، آن آیه به خصوص در مورد صبی ممیز حمل بر کراهت می‌شود. این هم احتمالی است که بعضی‌ها گفته‌اند. حالا تعبیرات مختلفی هم به کار برده‌اند. دلیلشان هم این است که می‌گویند آیه استیذان صریح در جواز است؛ آیه ابداء که دلالت بر لزوم تستر در برابر صبی ممیز می‌کند، دلالتش ظاهر است و صریح بر ظاهر مقدم است، لذا نتیجه می‌گیرند که اینجا حمل بر کراهت می‌شود.

### بررسی وجه جمع چهارم

واقع این است که این وجه خیلی بعید است. چگونه «لایبیدین زینتهن الا لبعولتهن» را نسبت به همگان حمل بر حرمت کنیم، آن وقت بخصوص در مورد صبی ممیز به قرینه این آیه حمل بر کراهت کنیم. چطور می‌شود که یک نهی و یک دستور نسبت به بعضی افراد دال بر حرمت باشد و نسبت به بعضی دیگر دال بر کراهت. این خیلی خلاف ظاهر است و من تعجب می‌کنم که چنین وجهی ذکر شده است.

سؤال:

استاد: به چه مناسبت شما این را حمل بر کراهت کنید؟ به دلیل اینکه آیه استیذان دال بر جواز است و می‌گویید چون آن اظهر و این ظاهر است. آن را مقدم می‌کنیم، پس بنابراین اینجا می‌گوییم باید حمل بر کراهت شود. سؤال این است که «لایبیدین» که نهی است، مسلماً نسبت به بالغان دال بر حرمت است. یا باید بگویید «لایبیدین» شامل صبی ممیز نمی‌شود و عموم نهی او را دربر نمی‌گیرد؛ مثل صاحب جواهر که می‌گوید که آنچه استثنا شده طفل غیرممیز نیست، مطلق غیربالغین استثنا شده‌اند؛ این مؤونه‌اش کمتر است تا اینکه بگوییم نهی شامل صبی ممیز می‌شود - همانطور که شامل بالغین می‌شود - لکن این نهی نسبت به بالغین ظهور در حرمت دارد اما نسبت به صبی ممیز به قرینه آیه استیذان حمل بر کراهت می‌شود. این خیلی بعید است؛ یک نهی در یک کلام، ما این را نسبت به بعضی از افراد حمل بر حرمت کنیم و نسبت به برخی حمل بر کراهت کنیم.

این عبارت را دقت کنید: «أو يقال ان المفهوم محمول على الكراهة لصراحة المنطوق في الجواز»، منظور از منطوق همان آیه استیذان است. «و إن شئت قلت: المسألة من باب تعارض النص و الظاهر، أو الظاهر مع الأظهر، فالترجيح بالجواز»<sup>۱</sup> همانطور که ملاحظه فرمودید به نظر ما این حرف مخدوش است و قابل قبول نیست.

### وجه جمع پنجم

اساساً بگوییم بین این دو آیه هیچ منافاتی نیست؛ چون موضوع آنها متفاوت است. موضوع آیه استیذان، اطفال خود این والدین هستند. چون می‌گوید «الاطفال منكم»؛ می‌گوید در اوقات ثلاثه باید فرزندان شما اجازه بگیرند. البته این به عنوان یک وظیفه‌ای متوجه والدین است، می‌خواهد بگوید والدین مراقب باشند که اطفال خودشان که محرم هم هستند، بدون اجازه وارد

۱. أنوار الفقاهة، كتاب النكاح، ج ۱، ص ۱۵۰.

نشوند. قرینه بر این مطلب هم تعبیر «طوافون علیکم» است، یعنی گرد شما می چرخند. معلوم است که «طوافون علیکم» چه کسانی هستند؛ همان فرزندان خودتان و محارم خودتان. اما آیه «لایبدین زینتهن» که در ادامه دارد «أو الطفل الذین لم یظهوروا»، این ناظر به غیر محارم است؛ یعنی کأن آیه استیذان اصلاً ربطی به مسأله تستر و پوشش زن در برابر صبی ممیز ندارد؛ اینجا دارد می گوید در این اوقات سه گانه باید اجازه بگیرند؛ در غیر این اوقات سه گانه اجازه لازم نیست. علتش هم روشن است؛ این اوقات سه گانه اوقاتی هستند که مظنة للاعمال الجنسیة. پس آیه استیذان ناظر به اطفال خود والدین و محارم آنهاست که پوشش در برابر آنها لازم نیست. اما آن آیه در واقع درباره غیر محارم می گوید؛ چون نهی از ابداء زینت می کند و «أو الطفل الذین لم یظهوروا» هم اشاره به همان صبی غیر ممیز دارد. اما نسبت به صبی ممیز غیر محرم، آن آیه نهی می کند و می گوید باید پوشیده شود. پس منافاتی بین این دو آیه نیست؛ یک آیه می گوید زن در برابر صبی ممیز غیر محرم باید خودش را ببوشاند؛ این آیه هم کاری به مسأله پوشش ندارد بلکه مربوط به اوقات ثلاثه است که می گوید باید استیذان کنند و اجازه بگیرند و درباره اطفال خودشان است. به این ترتیب خواسته اند بین این دو آیه جمع کنند.

این وجه را بعضی از اساتید ما (آیت الله زنجانی) پذیرفته اند. البته یک اشکالی ممکن است در اینجا به ذهن بیاید در رابطه با این جمع و جمع قبلی؛ اما چون امروز چهارشنبه است و می خواهیم بحث رساله الحقوق را ادامه دهیم، جمع بندی این وجوه و راه حل صحیح برای رفع تنافی بین این دو آیه را در جلسه آینده عرض خواهیم کرد.

### شرح رساله الحقوق

بحث ما درباره تهمت بود به عنوان یکی از مصادیق مهم بدزبانی. در جلسه گذشته اشاره کردیم که اساساً حقیقت بهتان و تهمت چیست و آن آیات را هم ذکر کردیم و نکاتی که در آن آیات وجود داشت، بیان شد.

### بزرگی گناه تهمت

در مورد عظمت و بزرگی این گناه تعبیرات تکان دهنده ای از ناحیه ائمه معصومین (ع) وارد شده است. این خیلی مهم است که بالاخره بدانیم گناه ما در چه حدی است؛ عصیان خداوند فی نفسه قبیح است؛ قبح نافرمانی خداوند به هیچ وجه قابل انکار نیست؛ لکن در میان قبائح و نافرمانی ها، زشتی و بزرگی و بدی برخی از آنها بیشتر از بقیه است. یکی از آن مواردی که بسیار بزرگ شمرده شده، بهتان و تهمت است.

امیرالمؤمنین (ع) می فرماید: «الْبُهْتَانُ عَلَى الْبَرِّیِّ اَعْظَمُ مِنَ السَّمَاءِ»<sup>۲</sup> بهتان به شخصی که بری است و گناهی ندارد و کاری مرتکب نشده، از آسمان ها هم بزرگتر و عظیم تر است. اینکه می فرماید از آسمان ها هم بزرگتر است، این یعنی چه؟ مرحوم نراقی در اینجا فرموده یعنی اینقدر بزرگ است که تمام ملائکه خداوند و اهل آسمان، کسی را که به دیگری تهمت بزنند لعن می کنند. آسمان به نظر بی پایان می آید، تا چشم کار می کند آسمان می بینیم؛ معمولاً وقتی می خواهند چیزی را به عظمت و بزرگی مثال بزنند، به آسمان و کوه و دریا مثال می زنند. امیرالمؤمنین (ع) می فرماید این از آسمان بزرگتر است.

امام صادق (ع) در تعبیری نظیر همین می فرماید: «الْبُهْتَانُ عَلَى الْبَرِّیِّ اَثْقَلُ مِنَ الْجِبَالِ الرَّاسِیَاتِ»، تهمت زدن به شخصی که میری و بی گناه است، کوه های عظیم و بزرگ هم سنگین تر است. هم تعبیر به آسمان شده و هم تعبیر به کوه شده است.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۳۱.

گاهی این تشبیه ها و تنظیرها که در روایات ذکر می شود، برای آن است که مردم پی ببرند به اهمیت آن، به شدت قبیح آن، عادی انگاری نشود؛ متأسفانه در بین مسلمانان برخی از گناهان به شدت عادی انگاری شده است؛ یعنی قبیح آن ریخته است. غیبت، تهمت، ناسزا و فحش از آن چیزهایی است که واقعاً قبیح آن ریخته است. تهمت از چیزهایی است که به وفور بین ما رواج دارد و قبیح آن نزد ما ریخته، در حالی که نزد ائمه (ع) اینقدر بزرگ است.

برای اینکه بیشتر قبیح این مسأله روشن شود، اشاره می کنم به بیانی از پیامبر گرامی اسلام (ص)؛ حضرت یک وقت در حضور اصحابشان فرمود: آیا به شما خبر ندهم که بدترین مردم کیست؟ گفتند بله یا رسول الله. حضرت فرمود: بدترین مردم کسی است که خیر خودش را از دیگران منع کند و هر چه داشته باشد را فقط برای خودش بخواند. کم و زیادش مهم نیست؛ کسی ممکن است چیز کمی داشته باشد ولی همان چیز کم را در حدی که بتواند به دیگران هم بدهد؛ بدترین مردم کسی است که بتواند یک خیری به دیگران برساند و خیر خودش را از دیگران منع کند. یعنی هر چه هست برای خودش بخواند و نخواهد به دیگری خیری برسد. اصحاب گمان کردند که بدتر از این کسی وجود ندارد. باز حضرت فرمود می خواهید به شما بگویم که بدتر از او کیست؟ حضرت یک گروهی را ذکر کردند. اصحاب گمان کردند که تمام شد و بدتر از این کسی نیست. حضرت فرمود: می خواهید بدترین از این را برای شما ذکر کنم که چه کسانی هستند؟ اصحاب گفتند مگر بدتر از این هم کسی وجود دارد؟ حضرت فرمود: بدتر از این، کسانی هستند که بدزبان، فحاش، اهل بهتان و تهمت و آبروریزی دیگران هستند. یعنی آخرین حد بدی و قبیح و کار قبیح، این است که کسی آبروی دیگری را بریزد.

این همه خداوند متعال روی عرض مؤمن در کنار مال و جان مؤمن تأکید کرده، آن وقت کسی آبروی کسی را بریزد. ما به راحتی این کارها را می کنیم در حالی که از دید رسول خدا (ص) بدترین مردم اینها هستند. کسی که تهمت بزند به دیگری، فحاشی کند، بدترین مردم است؛ این بدتر از کسی است که خیرش را از دیگری منع می کند. اینها همه برای این است که شدت قبیح این عمل معلوم شود و خدای نکرده با این مسأله خیلی ساده برخورد نکنیم. این فرمایش امیرالمؤمنین (ع) است که می فرماید: هیچ بی حیایی و وقاحتی مثل تهمت زدن نیست. آدم های تهمت زن و آدم هایی که آبروی دیگران را می برند، آدم های بی حیایی هستند، آدم های وقیحی هستند؛ آدم اهل حیا و شرم هیچ گاه دست به این کارها نمی زند. آدمی که اهل حیا باشد، آدمی که وقیح نباشد، هیچ گاه راضی نمی شود به اینکه به دیگری تهمت بزند و آنچه را که در او نیست به او نسبت دهد. آدم هایی که این کارها را می کنند معمولاً آدم های بی حیایی هستند. در بیان آثار تهمت زدن به دیگران خواهیم گفت که چه سرانجامی پیدا می کنند. واقعاً عجیب است که گناهان و اعمال زشت و قبیح انسان، علاوه بر اینکه در آخرت برای انسان گران تمام می شود، خیلی از آنها در همین دنیا گریبان و دامن انسان را می گیرد.

این راجع به عظمت این گناه و قبحی که دارد. وقتی قرآن کریم می خواهد این گناه را توصیف کند، گاهی از آن تعبیر به ظلم می کند. در آیه ۳۸ و ۳۹ سوره یونس ... آنجا تهمت زدن و نسبت ناروا دادن، به خصوص به پیامبر (ص) را باعث این می داند که شخص در زمره ظالمان و ستمگران قرار گیرد. یعنی کسی که تهمت می زند ظالم است؛ ما فکر می کنیم که ظلم به این است که نسبت به مال کسی تعدی کنیم یا مثلاً جان کسی را مورد تهدید قرار دهیم. در حالی که عرض و آبروی شخص هم که تهدید شود، این هم ظلم است. ظلم در رأس همه گناهان است؛ ظلم گناهی است که تقریباً همه ائمه (ع) به فرزندان خود سفارش

می‌کردند که از آن بیرهیزند مخصوصاً در مورد کسی که هیچ یاری‌گری برای او نیست. امام باقر(ع) این جمله را از قول پدرش فرمود و امام سجاد(ع) هم از قول امام حسین(ع): «إياك و ظلم من لا ناصر له»، بیرهیزید از ظلم، مخصوصاً به کسی که هیچ پناهی ندارد.

یا اینکه مثلاً در برخی آیات ذکر شده که کسانی که به دیگران نسبت ناروا می‌دهند، خداوند آنها را لعن و نفرین می‌کند؛ آیا این تعابیر در آیات و روایات کافی نیست برای تبیین شدت قبح تهمت و بهتان؟ این مختصری درباره عظمت این گناه و شدت قبح این گناه.

این گناه یک آثاری دارد؛ آثار دنیوی و اخروی، مادی و معنوی. در این دنیا یک سری آثار دارد، در آخرت یک سری آثار دارد و مجازات‌های شدید و غلیظ. آثار دنیوی آن هم بعضاً معنوی است و گاهی مادی؛ این چیز کمی نیست. گاهی دامن جامعه و اجتماع را می‌گیرد؛ یعنی به یک نفر محصور نمی‌شود. این آثار را در جلسه آینده بیان خواهیم کرد. البته باید بیشتر وقت بگذاریم؛ ما هنوز در حق اول هستیم؛ از پنجاه حقی که ذکر شده است. ان شاء الله خدا توفیق بدهد که در همین حدی که آشنا می‌شویم بتوانیم عامل باشیم.

«والحمد لله رب العالمین»